

شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

شرح اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۵

تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۱۲



شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی
شرح اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی

مؤلف: حسین خلف رضایی

زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۰۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
۱- پیشینه و سیر تدوین و تصویب اصل.....	۴
۱-۱. پیشینه.....	۴
۲-۱. سیر تدوین و تصویب اصل.....	۵
۲. مفهوم‌شناسی قراردادهای موافقتنامه‌های بین‌المللی.....	۷
۱-۲. قراردادهای بین‌المللی در اسلام.....	۷
۲-۲. مفهوم موافقتنامه‌های بین‌المللی در حقوق معاهدات.....	۹
۳- موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران.....	۱۲
۱-۳. مفهوم موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران.....	۱۲
۲-۳. آیین تصویب معاهدات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۵
۳-۳. راهبردها و اصول حاکم بر انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی.....	۱۶
۴- آیین تصویب معاهدات در قوانین اساسی دیگر کشورها.....	۱۷
۵ نتیجه‌گیری و ملاحظات پایانی.....	۲۱
منابع و مأخذ.....	۲۶
(۱) منابع فارسی.....	۲۶

چکیده

سوابق اعطای امتیازها و قراردادهایی که منابع و منافع ملی را به تاراج دادند ذهنیت تاریخی و افکار عمومی ملت ایران را چنان مکدر و برآشفته ساخت تا پس از انقلاب اسلامی مقررات متعددی وضع نمایند تا مانع از تکرار چنان وقایعی گردد. چنانکه واگذاری امتیاز به بیگانگان ممنوع گردیده و صلح و داوری و هرگونه موافقتنامه بین‌المللی منوط به تصویب مجلس گردیده است. اجمال مفهومی موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی در قانون اساسی، پایه‌گذار استفسار از شورای نگهبان در مقام مفسر قانون اساسی گردیده است و این نهاد گرچه از معاهدات بین‌المللی تعریفی جامع و مانع ارائه نداده است اما به خوبی در نظریات خود به تبیین حدود و ثغور مفاهیم مزبور پرداخته است. در نظر مفسر قانون اساسی، برای آنکه یک موافقتنامه مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی قرار گیرد، لازم است این موافقتنامه، با هر عنوانی که داشته باشد، میان دولت ایران با سایر دولت‌ها یا سازمانی بین‌المللی منعقد شده و موجد تعهداتی بر کشور باشد.

واژگان کلیدی

موافقتنامه بین‌المللی، تصویب معاهدات، اصل ۷۷، حقوق معاهدات، مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور.

مقدمه

معاهدات در سراسر تاریخ مکتوب وجود داشته است و نشانه‌هایی از آنها تا هزاره سوم قبل از میلاد نیز دیده شده است. معاهدات از گذشته‌های دور مهم‌ترین وسیله تنظیم روابط دولت‌ها بوده و در دوران جدید از منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید. (بلدسو، ۱۳۷۵: ۴۰۳)

حقوق بین‌الملل نحوه ابراز اراده و رضایت دولت‌ها مبنی بر التزام به معاهدات بین‌المللی را به مقررات داخلی کشورها احاله داده است. بنابراین ممکن است روال التزام قانونی به این عهود در صلاحیت قوه مجریه و یا مقننه و یا مشترک باشد و یا اساساً در اختیار رئیس کشور باشد. در جمهوری اسلامی ایران، بنا بر اصل ۷۷ قانون اساسی، «موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و پس از آن می‌بایست وفق اصل ۱۲۵ به امضای رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او برسد.

اگرچه مراجع تصویب معاهده در قانون اساسی به صراحت مشخص شده‌اند اما در خصوص اینکه قلمرو موضوعی اصل ۷۷ کدام قرارداد یا موافقتنامه بین‌المللی را در بر می‌گیرد ابهاماتی وجود داشته و دارد. در درجه بعد، قلمرو شخصی این اصل، یعنی در مورد شخصیت طرف‌های یک قرارداد بین‌المللی نیز اختلاف نظرهای وجود دارد.

این موضوع، با علایق سه قوه در ارتباط است: قوه مجریه به عنوان مسئول اداره امور کشور در عرصه داخلی و بین‌المللی و کارگزار سیاست خارجی ناگزیر از انعقاد قراردادهای بین‌المللی است؛ مجلس بنا به صراحت قانون اساسی و به عنوان نماینده ملت در فرایند تصویب معاهده ایفای نقش می‌کند؛ و قوه قضاییه معاهدات مصوب کشور که در حکم قانون هستند^(۱) را به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی^(۲) مستند حکم خود قرار خواهد داد.

با توجه به ابهامات و دغدغه‌های فراوانی که در عالم نظر و عرصه عمل در مورد تعریف عهود بین‌المللی و ملاک‌ها و سازوکارهای نظارتی وجود دارد، لازم است

۱. ماده ۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

۲. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد...».

عناصر تشکیل دهنده یک معاهده به خوبی تبیین شود. نظریات تفسیری شورای نگهبان در تبیین حدود و ثغور موافقت نامه‌های بین‌المللی مشمول نظارت مجلس شورای اسلامی بسیار راهگشا است و در این پژوهش، تلاش شده است که معیارهای موافقتنامه‌های مشمول اصل ۷۷ با استخراج ملاک از این نظریات ارائه گردد.

در این راستا، ابتدا پیشینه و سیر طرح و تصویب اصل ۷۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد (۱) تا منظور قانونگذار اساسی بهتر قابل درک باشد و پس از آن، مفهوم قراردادهای بین‌المللی در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل به منزله مبانی تدوین اصل مورد مطالعه قرار می‌گیرد (۲). پس از این مقدمات، به بحث از موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران پرداخته و ماهیت، فرایند تصویب و اصول حاکم بر انعقاد موافقتنامه‌ها را تحلیل خواهیم کرد (۳). به جهت ارزیابی بهتر و عینی‌تر رهیافت‌ها و نتایج این پژوهش، رویکردهای نظام‌های حقوقی دیگر کشورها در خصوص موضوع اصل ۷۷ مورد مطالعه تطبیقی قرار خواهد گرفت (۴) و در نهایت، نتیجه‌گیری و ملاحظات پایانی ارائه خواهد شد (۵).

۱- پیشینه و سیر تدوین و تصویب اصل

۱-۱. پیشینه

موافقتنامه‌های بین‌المللی به جهت حساسیت و اثرگذاری‌های آن‌ها بر منافع ملی از دیرباز مورد توجه قانونگذار قرار داشته و مشمول مقررات نظارتی ویژه‌ای بوده‌اند. اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطه مقرر می‌داشت: «بستن عهدنامه و مقاله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار آن‌ها صلاح دولت و ملت باشد.»

در اصل پنجاه و دوم متمم قانون اساسی مشروطه به وضعیت استثنایی ذیل این اصل توجه شده است: «عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعدۀ یک هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آن‌ها لازم باشد بعد از رفع محظور همین که منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.»

۲-۱. سیر تدوین و تصویب اصل

متأسفانه علیرغم وجود برخی قوانین در دوران پیش از انقلاب اسلامی، توافقات ننگینی نظیر کاپیتولاسیون چنان اصول و ارزش‌های مردم را پایمال ساخت که می‌توان آنها را جزء عوامل مؤثر در خیزش مردمی و نهضت انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. از این رو، پس از انقلاب اسلامی تدوین‌کنندگان قانون اساسی اهمیاتی خاص به سدّ امکان چنین مفاسدی داشته‌اند.

با بررسی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی حساسیت تدوین‌کنندگان نسبت به اهمیت و جایگاه خطیر موافقتنامه‌های بین‌المللی و ملاحظه فرایندهای نظارتی و تصویبی نسبتاً سختگیرانه قابل مشاهده است. بنابراین تصویب معاهدات در صلاحیت مشترک قوای مقننه و مجریه قرار گرفته است. نطق یکی از نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی شاهد گویای این رویکرد است: «عهدنامه‌ها و قراردادهای و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی راه نفوذ استعمار را در گذشته باز می‌کرده و خطر این را دارد که اقتصاد مملکت در دست بیگانه قبضه بشود، بنابراین شرط احتیاط آن است که ما این قدرت و نفوذ رئوس این قراردادها را در اشخاص و مراجع مختلف پخش کنیم.» وی به جهت تحکیم این موضوع پیشنهاد کرده است تا علاوه بر تصویب مجلس مراجعی دیگر نیز ذیل این قراردادها را امضا کنند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۸۶۰).

اگرچه در زمان طرح و تصویب اصل، در مورد تعریف و مصادیق عهدنامه‌های بین‌المللی اختلاف نظر وجود داشته است^(۱) و از این رو، تلاش شده است تا در این اصل عناوینی به کار رود که تمامی مصادیق موافقتنامه‌های بین‌المللی را در بر بگیرد.^(۲)

۱. به عنوان مثال نک. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج

۲. چاپ اول، ۱۳۶۴، اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صص ۸۶۱-۸۶۰.

۲. بسیاری از قراردادهایی که در سده‌های اخیر منافع ملی ایران را به تاراج برده است، بنا به تعریف حقوق معاهدات، جزء موافقتنامه‌های بین‌المللی قابل تقسیم‌بندی نیستند چرا که عموماً با اشخاصی غیر از دولت منعقد شده‌اند. با توجه به همین ملاحظات خبرگان قانون اساسی ضمن پیش‌بینی ضوابطی خاص برای انعقاد موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی، از دیگر قراردادهای غفلت نکرده‌اند و به همین جهت در اصل ۱۵۳ قانون اساسی، عموم قراردادهای مورد توجه قرار داده‌اند. این اصل که برخاسته از دستورات اسلامی و آموزه‌های قرآنی است و تحت عنوان «اصل نفی سبیل» شناخته می‌شود، اشعار

چنانکه به عنوان مثال، در زمان طرح و تصویب اصل گفته شده است: «من پیشنهاد می‌کنم چون کلمه قراردادهای بین‌المللی لفظی است نسبتاً جامع و شامل مقاله‌نامه و موافقت‌نامه و بقیه می‌شود بنویسیم امضای کلیه قراردادهای بین‌المللی و عهدنامه‌های دولتی ایران الی آخر. برای اینکه اگر بنویسیم این یک مقداری اخص از آن خواهد بود. عهدنامه در اصطلاح یک معنای خاصی دارد ولی قرارداد شامل همه می‌شود». (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۲۵۶) و به همین صورت گفته شده است: «آن چیزی که در ذهن من است این است که قرارداد یک کشور با یک کشور دیگر مشمول قوانین و قواعد حقوق بین‌الملل است اما خود قرارداد را نمی‌گویند قرارداد یا مقاله‌نامه بین‌المللی». «قرارداد یک اصطلاح کلی عام است که شامل آن‌ها هم می‌شود و لذا گفتیم قراردادهای دیگر». (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۲: ۸۶۱ و ۸۶۳)

از براینده نظرات تأکید بر وصف «بین‌المللی» این توافقات که آن‌ها را در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل قرار می‌دهد، استنباط می‌شود^(۱). به علاوه، مقصود حصر عناوین نبوده است و از این‌رو در طرح اصل ۶۵ پیش‌نویس عبارت «عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و قراردادهای دیگر از این قبیل» درج گردیده است^(۲) و منظور آن بوده که تا حد امکان عناوینی به کار رود تا عموم موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بدون آنکه معنای خاص هر اصطلاح مقصود بوده باشد - را در برگیرد. نکته قابل توجه این است که عبارات مربوط به این اصل تقریباً از زمان پیشنهاد اولیه آن تا تصویب، تغییر قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

→

داشته است: «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.» بنابراین، دغدغه صیانت از منافع ملی در قراردادها می‌بایست با نگرشی جامع به کل قانون اساسی همراه شود تا این مهم به اصلی خاص فروکاسته نشود.

۱. نک. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ج ۲، صص ۸۶۱-۸۶۰ و ۸۶۴.

۲. اصل ۶۵ پیش‌نویس قانون اساسی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی که عیناً تکرار اصل ۶۱ پیش‌نویس قانون اساسی پیشنهادی دولت موقت بود، مقرر می‌داشت: «عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و قراردادهای دیگر از این قبیل باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. (همان، ص ۸۶۰).

۲. مفهوم‌شناسی قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی

اصل ۷۷ قانون اساسی با اشاره به عناوینی مانند «مقاوله‌نامه، قرارداد یا موافقتنامه بین‌المللی در صدد خلق مفاهیم جدیدی نبوده است بلکه این مفاهیم در حقوق بین‌الملل تعاریف مشخصی دارد که همان طور که در بحث قبلی اشاره شد، تدوین‌کنندگان قانون اساسی در پی تعبیه آن مفاهیم و طرح‌ریزی یک نظام نظارتی خاص در این حوزه بوده‌اند. از سوی دیگر، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی) بنابراین، مناسب خواهد بود که پیش از هر چیز، ماهیت و جایگاه قراردادهای بین‌المللی در اسلام به اختصار مورد اشاره قرار گیرد و پس از آن، مفهوم معاهده در حقوق بین‌الملل مورد مطالعه قرار گیرد.

۲-۱. قراردادهای بین‌المللی در اسلام

وفای به عهد و پایبندی به تعهدات از نظر اسلام از عالی‌ترین فضایل انسانی بوده و در قرآن کریم و سنت و سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) از شرایط و شاخصه‌های ایمان به شمار آمده است. وفای به عهد تکلیف و مسئولیتی مسلم است^(۱) و دستور «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود»^(۲) بر این معنا دلالتی آشکار دارد. بسیاری از علما به ویژه فقهای معاصر^(۳) حکم آیه شریفه را ناظر به لزوم وفای عهد در هر قرارداد عقلایی، عرفی و مبتنی بر تراضی تلقی کرده‌اند. (فتاوی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۰۵) در مورد عموم آیه و رابطه دو مفهوم «عقد» و «عهد» اشکال شده است، چنانکه اهل لغت عقد را عهد موثق دانسته‌اند؛ اما مراد اهل لغت از توثیق در این مقام لزوم عرفی است (و نه لزوم شرعی) و منظور از وثاقت نیز چیزی زائد بر لزوم نیست، پس تمسک به آیه در مورد صحت هر معامله‌ای مبنی بر لزوم در محیط عرفی صحیح است. (امام) خمینی، ۱۴۱۵: ۷۵-۷۱)

به طور کلی، هر نوع توافق بین دو یا چند طرف صلاحیت‌دار در موضوعی خاص

۱. اسراء: ۳۴.

۲. مانند: ۱. (یعنی، ای مومنان به عهد و پیمان‌های خود وفا کنید).

۳. به عنوان مثال، نک. (امام) خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم: ۱۴۱۵ ه.ق.، صص ۷۵-۷۱.

که دارای اثر حقوقی باشد را می‌توان «قرارداد» نامید. اما عقد در اصطلاح فقهی عبارت است از انشاء ماهیتی که دارای آثار حقوقی است یا توافق دو یا چند اراده است که به منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌گیرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۵) بنابراین، در فقه و حقوق اسلام هر قراردادی واجد جنبه‌ی الزامی نیست و ایجاد تعهد نمی‌کند بلکه موضوع برخی از قراردادها شناسایی، اسقاط و تغییر حق و تکلیف است در حالی که عقد علی‌الاصول به منظور ایجاد تعهد واقع می‌شود و با قصد انشاء همراه است. مفسران عقد را به «أوكد العهود» و فقها آن را به «عهد مشدد» (محکم و ناگسستی) تفسیر کرده‌اند. (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۱۵۱ به نقل از: عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۶) البته برخی از فقها این دو را از جهت مصداق، عموم و خصوص من وجه تلقی کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۶۶)

اگرچه در فقه تقسیم‌بندی متمایزی در زمینه قراردادهای بین‌المللی وجود ندارد اما با توجه به اصل صحت و لزوم عقود و وجود سابقه‌ی پیمان‌هایی در صدر اسلام در رابطه با غیر مسلمانان (به تعبیر دیگر قراردادهایی بین دارالاسلام و دارالکفر) مانند؛ استیمان (جواز ورود به کشور اسلامی) و هدنه (پیمان ترک مخاصمه و عدم تعرض) و صلح، چنین توافقاتی نیز مشمول قواعد عمومی قراردادها هستند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۷) در نتیجه، اسلام هر نوع قراردادی را که به نحوی مبین حاکمیت اراده‌ی طرف‌های قرارداد باشد را با رعایت شرایط عمومی قراردادها صحیح و لازم‌الاجرا می‌شمارد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۱۸)

لزوم وفای به عهد اختصاص به روابط میان مسلمانان نداشته و در برابر بیگانگان نیز وجود دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶: ۱۹۰)^(۱) و در این رابطه، پیمان شکنی حتی در قبال دشمنان، شدیداً مورد مذمت قرار گرفته است^(۲). فرمایش گهربار امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتر گواهی بر این گفته است: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید یا

۱. برای آگاهی از آیات قرآنی ناظر به این رهیافت، به عنوان مثال، خداوند متعال در سوره توبه می‌فرماید: «مگر آن گروه از مشرکان که با آنان عهد کرده‌اید و هیچ عهد شما نشکستند و هیچ یک از دشمنان شما را یاری نکرده‌اند پس پیمان‌شان را تا موعده‌شان نگاهدارید» (توبه: ۴) و نیز می‌فرماید: «تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند شما نیز وفاداری کنید» (توبه: ۷).

۲. توبه: ۱۲.

در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه‌ی مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند در آن اتفاق نظر داشته باشند». (نهج البلاغه، ۱۳۸۴: ۴۱۹) البته خداوند متعال همواره اهل ایمان را از توگی کافران بر حذر داشته و هرگونه سلطه‌ی بیگانگان بر امور مؤمنین را منع نموده است. چنان‌که می‌فرماید: «خداوند هرگز برای کافران راه سلطه‌ای بر مؤمنان قرار نداده است.»^(۱)

۲-۲. مفهوم موافقتنامه‌های بین‌المللی در حقوق معاهدات

موافقتنامه‌های بین‌المللی در زمره‌ی منابع حقوق بین‌الملل و موجب تعهد بین‌المللی طرف‌های آن هستند.^(۲) اصطلاح موافقتنامه بین‌المللی از دو جزء موافقتنامه و بین‌المللی تشکیل شده است که جزء نخست از نظر لغوی به توافقی کتبی اشاره دارد و دیگری به طرفیت اشخاص بین‌المللی (موجودیت‌هایی که تابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند و شخصیت حقوقی بین‌المللی دارند) اشاره دارد. (Martin, 1997: 473)

به موجب ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات: «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد.»^(۳) کنوانسیون مزبور بدون آنکه عنوان معاهده را محصور بر این ویژگی‌ها قلمداد کند، شمول موضوعی خود را بر چنین معاهداتی دانسته است و به عنوان مثال، نسبت به موافقت‌های غیر مکتوب

۱. «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء: ۱۴۱).

۲. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که به‌طور عرفی بیانگر منابع حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود در بند ۱ مقرر می‌دارد: «دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می‌شود بر طبق حقوق بین‌الملل حل و فصل نماید موازین زیر را اجرا خواهد کرد:...».

الف- عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند.

3. Article 2(1) (a) of the treaty provided that: “treaty” means an international agreement concluded between States in written form and governed by international law, whether embodied in a single instrument or in two or more related instruments and whatever its particular designation”.

(شفاهی) یا با طرف‌هایی غیر دولتی حکمی ندارد.^(۱) البته این کنوانسیون در ماده ۳ خود به طور ضمنی به وجود اشکال دیگری از توافقات بین‌المللی از جمله با طرفیت دیگر تابعان حقوق بین‌الملل اذعان داشته است.^(۲) همچنین، بر اساس جزء «ب» بند (۱) ماده ۲ این کنوانسیون، «تفویذ»،^(۳) «قبول»،^(۴) «تصویب»^(۵) و «الحاق»^(۶) راه‌های ابراز رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده هستند.

آیین تصویب معاهدات در نظام‌های حقوقی متنوع بوده و در برخی انحصاراً در صلاحیت قوه مجریه یا مقننه بوده و در برخی دیگر تلفیقی و در صلاحیت مشترک قوا قرار می‌گیرد. معاهدات بر اساس تشریفات انعقاد به دو دسته رسمی یا تشریفاتی و ساده یا اجرایی تقسیم شده‌اند. در برخی از توافقات به جهت اطمینان از گزاف نبودن تعهدات پذیرفته شده، امضای نهایی موکول به طی تشریفات تصویب مطابق قوانین و مقررات داخلی دولت متبوع نماینده خواهد بود که در ضمن سندی که «تصویب‌نامه» خوانده می‌شود، اعلام می‌گردد.

گسترش روابط و مناسبات بین‌المللی مستلزم کاهش تشریفات معاهده است. فایده‌ی ساده کردن تشریفات انعقاد معاهده، اجرای فوری آن‌ها، بدون درگیر شدن در نهادهای بروکراتیک داخلی است. موافقتنامه‌های ساده پیمان‌هایی هستند که انعقاد آن‌ها تابع هیچ‌گونه تشریفاتی نبوده و بدون دخالت صریح رئیس کشور و بی آنکه مرحله تصویب را بگذرانند با امضای وزیر امور خارجه یا نمایندگان دیپلماتیک به صورت

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس، قرارداد امتیاز نفت میان دولت ایران و شرکت خصوصی انگلیسی را به جهت فقدان وصف معاهده یا موافقت‌نامه‌ی بین‌المللی، خارج از صلاحیت موضوعی خود دانست؛ با این استدلال که قرارداد مکتوب و بین‌الدولی نبوده و مطابق ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل (که در آن زمان مجری بوده است) به ثبت نرسیده است. نک.

Anglo-Iranian Oil Co. Case, United Kingdom v. Iran (22 July 1952), ICJ Reports, p. 98.
 ۲. تقویت فزاینده‌ی نقش سازمان‌های بین‌المللی در جامعه بین‌المللی و گسترش موافقتنامه‌های منعقد از جانب آن‌ها منجر به انعقاد کنوانسیون ۱۹۸۶ وین راجع به حقوق معاهدات سازمان‌های بین‌المللی گردید که در نتیجه‌ی آن سازمان‌های بین‌المللی همچون دولت‌ها امکان انعقاد معاهدات بین‌المللی را یافتند. کنوانسیون ۱۹۸۶ وین ناظر به معاهدات میان دولت-سازمان و میان سازمان‌های بین‌المللی است.

3. approval
4. acceptance
5. ratification
6. accession

مبادله‌نامه، مبادله یادداشت، تفاهم‌نامه و غیره اعتبار می‌یابند. در زبان فرانسه این معاهدات را «موافقتنامه‌های ساده» و انگلیسی‌زبانان به ویژه در ایالات متحده آمریکا این موافقتنامه‌ها را «موافقتنامه‌های اجرایی»^(۱) نامیده‌اند. ماده ۵۲ قانون اساسی فرانسه به چنین موافقتنامه‌هایی اشاره داشته و آن‌ها را بی‌نیاز از تصویب دانسته است مشروط بر آنکه مضامین آن‌ها به موجب قانون اساسی در زمره مسائلی نباشد که باید به اطلاع و تصویب پارلمان برسند. موافقتنامه‌های ساده عموماً به مسائل فنی و اجرایی می‌پردازند که در حیطه‌ی وظایف و صلاحیت قوه‌ی مجریه قرار دارند. (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۰) البته در کنار فواید تسهیل انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی از خطرات احتمالی نسبت به حقوق و منافع کشور نیز نباید غفلت ورزید.

دکترین و رویه قضایی بین‌المللی اتفاق نظر وجود دارد که واژه یا تعبیری که برای نامیدن یک قرارداد و یا توافق بین‌المللی به کار می‌رود، تعیین‌کننده ماهیت آن نیست. (میرعباسی، ۱۳۷۷: ۲۸؛ بلدسو، ۱۳۷۵: ۴۰۰) چنانکه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان داشته است که تعهد بین‌المللی به هر شکل ممکن است ایجاد گردد، اعم از آنکه در قالب معاهده یا اعلامیه یا پروتکل و ... بیان گردیده باشد. (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۰۸)^(۲) با این حال، در نظام بین‌المللی با توجه به ماهیت، شکل و اهمیت توافق عناوین مختلفی بکار گرفته می‌شود. چنانکه غالباً اسناد مؤسس نهادهای بین‌المللی را «منشور»^(۳) نامیده و یا معاهدات چندجانبه منعقد در سازمان‌های بین‌المللی را «کنوانسیون»^(۴) و توافقات بعدی و منضم به کنوانسیون را «پروتکل»^(۵) می‌نامند. تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی نیز اصولاً به مسائل اجرائی صرف می‌پردازند که اخذ تصمیم راجع به آن‌ها در صلاحیت مقام اداری است و یا بیانگر عزم و اراده طرفین نسبت به توسعه روابط دوجانبه در آینده هستند.^(۶)

1. executive agreements

۲. شایان ذکر است که بند ۲ نظریه تفسیری ۹۹۹۳ شورای نگهبان (مورخ ۱۳۶۲/۹/۸) بیان داشته است: «یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود».

3. charter

4. convention

5. protocol

۶. برای اطلاع بیشتر، نک. عنایت، سیدحسین، تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران و

۳- موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران

۳-۱. مفهوم موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی ایران

اصل ۷۷ قانون اساسی از معاهدات بین‌المللی با عناوین مختلفی یاد کرده است که باعث بحث‌های فراوان در میان حقوق‌دانان و دکترین حقوقی شده است. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، قانونگذار در مقام بیان حصری این عناوین نبوده است و به نظر می‌رسد که غرض قانونگذار بیان نسبتاً جامع از صورت‌هایی است که همگی در ماهیت و معنا مشترک بوده و به عنوان «موافقتنامه بین‌المللی» می‌بایست روال قانونی مقرر را طی کنند. شورای نگهبان در نظریه تفسیری ۹۹۹۳ (مورخ ۱۳۶۲/۹/۸) بیان داشته است: «یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود».

چنانکه در بالا اشاره شد، در نظام بین‌المللی نیز معاهدات بین‌المللی را با عناوین مختلفی (با توجه به ماهیت، شکل و اهمیت توافق) به کار می‌گیرند اما همگی در خصوصیات یک معاهده بین‌المللی با تعریفی که در حقوق معاهدات به عمل آمده است، مشترکند. معاهده بین‌المللی در معنای خاص آن در حقوق بین‌الملل^(۱) توافقی است تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل. فقدان وصف «بین‌المللی» موجب خروج موضوعی برخی قراردادها از تشریفات مقرر در مورد معاهدات می‌گردد.^(۲) در نظام

→

مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول: تابستان ۱۳۷۰، صص ۳۷-۲۳.

۱. ماده ۱ آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی‌های بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۱ هیأت وزیران) بیان داشته است: «تعاریف اصطلاحات دیگر همان است که در قوانین و مقررات داخلی یا مقررات بین‌المللی پذیرفته شده و توسط جمهوری اسلامی ایران ذکر گردیده است».

۲. برخی نویسندگان قرارداد بین‌المللی را با توجه به طرفیت تابعان غیر بین‌المللی در آنها مفهومی ماهیتاً متفاوت از معاهدات بین‌المللی که میان تابعان حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد، انگاشته‌اند. به عنوان مثال، نک. مجتهدی، محمدرضا، «لزوم تفکیک قراردادهای بین‌المللی از معاهدات بین‌المللی»، قابل

دسترسی در: <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=323>

همچنین، نک. حکمت، محمدعلی، «تأثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین‌المللی»، قابل دسترسی در: <http://ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=345>

←

حقوقی ایران، این وصف مشروط بر آنست که معاهده میان تابعان حقوق بین الملل منعقد گردیده و متضمن تعهدی بر دولت باشد که به نظر می رسد منظور از تعهد آوری معاهدات، تعهد بین المللی است که به موجب حقوق بین الملل محقق می گردد؛ در نتیجه این قید تضمناً به حقوق بین الملل دلالت می نماید. به عبارت دیگر، یکی از شروط بین المللی دانستن معاهده آنست که ماهیت تعهد تحت حاکمیت حقوق بین الملل باشد. بنابراین، نظر شورای نگهبان با تعریفی که در حقوق بین الملل از معاهده به عمل آمده است، مطابقت دارد. اهمیت برخی قراردادهایی که در راستای امور تصدی گری دولت (عموماً بازرگانی یا خدماتی) میان دولت و شرکت ها و اشخاص خصوصی خارجی منعقد می گردد، برخی را بر آن داشته تا چنین قراردادهایی را نیز در زمره قراردادهای بین المللی مندرج در اصول قانون اساسی به شمار آورند تا با نظارت بیشتر بر آنها امکان اجحاف و نادیده گرفتن منافع ملی کاهش یابد.

اگرچه اهمیت برخی قراردادهای مزبور (مانند قراردادهای حوزه نفت و گاز که ممکن است بار و گردش مالی چند میلیارد دلاری داشته باشد) انکار ناپذیر است اما این مسأله جای بررسی دارد که آیا نظارت تصویبی مجلس بر چنین قراردادهایی مطابق قوانین و مقررات فعلی امکان پذیر است و در غیر این صورت آیا سازوکارهای نظارتی دیگری، متصور خواهد بود؟

پاسخ این خواهد بود که منظور از قراردادهای بین المللی در اصل ۷۷، قراردادهایی با خصوصیات موافقتنامه های بین المللی است و تلاش در جهت توسیع دایره این اصل

→

نگارنده برخلاف دیدگاه این حقوقدانان که استعمال واژه قرارداد بین المللی را مسامحتاً و بدون توجه به معنای اصطلاحی آن در حقوق بین الملل خصوصی دانسته اند بر این باور است که قراردادهای بین المللی که مورد تعریف این نویسندگان قرار گرفته است از دیدگاه حقوق بین الملل عمومی (که اصول ۷۷ و ۱۲۵ در آن چارچوب بیان شده اند)، واقعاً بین المللی نیستند (برای تأیید این نظر، نک. مشروح مذاکرات شورای نگهبان: دوره اول - سال ۱۳۶۰، تدوین و تنقیح: فهیم مصطفی زاده، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ص ۷۴) و تعبیر "قراردادهای خارجی" نسبت به اینگونه قراردادها که یک طرف آن، تابعی غیر بین المللی است، درست تر به نظر می رسد. گفتنی است که برخی دیگر از حقوقدانان، مبنای بین المللی بودن موافقتنامه را در حاکمیتی یا تصدی گری بودن اقدام دولت ارزیابی کرده اند و قراردادهای تجاری که در شأن تصدی گری دولت منعقد می شوند را غیر بین المللی (در معنای خاص اصطلاحی آن) تلقی کرده اند. برای دیدن این دیدگاه، نک. همان، صص ۶۷-۶۶.

به قراردادهایی که «بین‌المللی» نیستند، مغایر ادله لفظی و معنوی و اصول تفسیری است. چنانکه در بالا آمد، عناوین بکار رفته در اصل ۷۷ در معاهده بودن اشتراک معنوی دارند و از این‌رو، قراردادهای بین‌المللی همانند موافقتنامه‌های بین‌المللی در این حکم شریکند. در قوانین عادی نیز شواهد متعدد وجود دارد که قانونگذار میان قرارداد و معاهده تفکیکی قائل نشده است.^(۱) بنابراین، تفکیک قراردادهای بین‌المللی از موافقتنامه‌های بین‌المللی بجز آنکه مغایر نص است، مخالف اصول تفسیر و مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی نیز می‌باشد.

شورای نگهبان در پاسخ به این سؤال که «آیا قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت دولتی ایران از یک طرف، با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی از طرف دیگر منعقد می‌شود، قرارداد بین‌المللی محسوب و مشمول اصل فوق‌الذکر می‌باشد؟» در نظریه تفسیری شماره ۲۰۰۹ (مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶) اعلام می‌دارد: «اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایران و شرکت‌های خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. ولی قانون عادی می‌تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به طور موردی موکول به تصویب مجلس شورای

۱. طبق ماده ۹۷۴ قانون مدنی، «مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده... نباشد» و یا مطابق ماده ۱۲۳۰ همین قانون، که مفاد آن عیناً در ماده ۱۱۶ قانون امور حسبی تکرار شده است، «اگر در عهود و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنصلی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد». همچنین طبق ماده ۱۷۱ قانون اجرای احکام مدنی، «در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادر کننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرایط معتبر خواهد بود». به همین ترتیب طبق ماده ۱ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹، «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجی قرارداد استرداد منعقد شده باشد استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده... استرداد طبق مقررات این قانون... به عمل خواهد آمد».

اسلامی بنماید».^(۱)

در واقع، چنین قراردادهایی با وجود طرفی با شخصیت حقوقی داخلی از حیثه قراردادهای بین‌المللی خارج می‌شوند و به عبارت دیگر، سخن گفتن از شمول اصل ۷۷ بر این قراردادها موضوعاً منتفی است. اما از مفهوم مخالف این نظر تفسیری نمی‌توان نتیجه گرفت که چنانچه طرف این معاملات شخصیتی بین‌المللی باشد، الزاماً مشمول تشریفات تصویبی مقرر در اصل خواهد بود، بلکه چنانکه در بالا آمد، «بین‌المللی» بودن قرارداد منوط به وجود دو شرط شکلی (طرف‌های بین‌المللی^(۲)) و شرط ماهوی (حاکمیت حقوق بین‌الملل و یا ایجاد حقوق و تعهدات بین‌المللی) است. بنابراین، به نظر می‌رسد هم عنصر شکلی یعنی طرف‌های موافقت‌نامه بین‌المللی - به صراحت - و هم عنصر ماهوی که ایجاد تعهدات بین‌المللی و به دیگر سخن، حاکمیت حقوق بین‌الملل بر مفاد قرارداد است - به صورت ضمنی - در نظر شورای نگهبان قابل ملاحظه است.

۲-۳. آیین تصویب معاهدات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

همان‌گونه که دولت در مقام اداره امور کشور و تمشیت امور داخلی می‌تواند به وضع تصویب‌نامه‌ها (اصل ۱۳۸) مبادرت ورزد، در حوزه روابط بین‌المللی نیز می‌تواند با طرف‌های خارجی یا بین‌المللی توافقاتی اجرایی داشته باشد. اگر ظاهر اصل ۷۷ را در نظر بگیریم می‌توان قائل شد که قانونگذار اساسی با درج عناوین مختلف معاهده، درصدد القای آن بوده که تمام معاهدات چه دوجانبه و چندجانبه و چه مهم یا غیر مهم به تصویب مجلس بستگی دارند. اما به نظر برخی حقوق‌دانان، تفسیر دیگری که از روح کلی و مفاد قانون اساسی (اشارات صریح به ممنوعیت برخی معاهدات و

۱. به عنوان مثال، بر اساس ماده ۵ قانون نفت (مصوب ۱۳۶۶/۷/۹) در قراردادهایی که وزارت نفت ایران با دولت‌ها در موضوعات نفتی منعقد می‌کند طبق اصل ۷۷ قانون اساسی عمل خواهد شد. در مورد نظارت اطلاعاتی مجلس بر قراردادهای دولتی نیز، نک. ماده واحده قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۹).

۲. در اصل ۱۲۵ قانون اساسی "پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی" صریحاً در زمره موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند و به دلالت التزامی، اهلیت سازمان‌های بین‌المللی در انعقاد معاهدات پذیرفته شده است.

تصریح به ضرورت داشتن تصویب مجلس - با حد نصاب‌های خاصی - در انعقاد برخی از معاهدات مهم) بر می‌آید آن است که قانونگذار اساسی فقط خواسته تا معاهدات مهم به تصویب مجلس برسند، ضمن اینکه رویکرد نخست به مشکلات عملی فراوانی دامن می‌زند. (فلسفی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۷)

از یک سو، مجلس شورای اسلامی در چارچوب قانون اساسی می‌تواند در عموم مسائل قانون وضع نماید (اصل ۷۱ قانون اساسی) و از سوی دیگر، سیستم استقلال قوا (اصل ۵۷) عدم دخالت در امور اختصاصی هر قوه را ایجاب می‌نماید و در نتیجه، یکی از محدودیت‌های بیرونی تقنین، عدم مداخله در امور اجرایی است. به نظر می‌رسد بتوان توافقاتی که موجب تعهدی بر کشور نبوده و صرفاً به ترتیبات اجرایی می‌پردازند را در حوزه اجرا و در صلاحیت انحصاری قوه مجریه تلقی کرد. بدیهی است که حوزه اقتدار دولت در عقد چنین موافقتنامه‌هایی در چارچوب اصول اساسی و اختیارات قانونی است و در غیر این صورت، موضوع از طریق سازوکارهای مربوطه قابل پیگیری خواهد بود.

۳-۳. راهبردها و اصول حاکم بر انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی

برخی راهبردها و اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی در مورد انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی نیز قابل ملاحظه خواهد بود. این اصول راهنما فراروی دولتمردان و کارگزاران نظام در امور سیاست خارجی قرار داشته و در هر حال و در مورد هر نهادی لازم‌الرعایه خواهند بود. بنابراین، عنوان موافقتنامه یا تشریفات تصویب آن تغییری در لزوم رعایت این اصول ایجاد نمی‌کند. در زیر به مهم‌ترین اصولی که با منع برخی اقدامات بیانگر محدودیت‌های قانونی مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی در رابطه با توافقات بین‌المللی و روابط خارجی هستند، اشاره می‌گردد:

الف: ممنوعیت نقض تمامیت ارضی و استقلال همه جانبه کشور (اصل ۱۵۲):

ب: ممنوعیت نفوذ اجانب و سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و دیگر امور کشور (اصل ۱۵۳):

ج: ممنوعیت سلطه جویی و سلطه پذیری (اصل ۱۵۲):

د: ممنوعیت تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۱۵۲):

ه : ممنوعیت تغییر اساسی در خطوط مرزی کشور (اصل ۷۸)؛
 و : ممنوعیت دادن امتیاز به خارجیان برای تشکیل شرکت و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی و کشاورزی (اصل ۸۱)؛
 ز : ممنوعیت انتقال نفایس منحصر به فرد کشور به بیگانگان (اصل ۸۳)؛
 ح : عدم امکان استقرار پایگاه نظامی خارجی در کشور (اصل ۱۴۶)؛
 ط : ممنوعیت دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر (اصل ۱۵۴)؛
 ی : عدم امکان عضویت افراد خارجی در ارتش و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۴۵).

بدیهی است که عدم رعایت مقررات فوق به مثابه نقض بارز اصول بنیادین و اساسی کشور بوده و براساس حقوق معاهدات،^(۱) دولت جمهوری اسلامی ایران با استناد به معیوب بودن رضای خود، در قبال تعهدات مغایر با این اصول التزامی نخواهد داشت.

۴- آئین تصویب معاهدات در قوانین اساسی دیگر کشورها

حقوق بین‌الملل نحوه ابراز اراده و رضایت دولت‌ها مبنی بر التزام به معاهدات بین‌المللی را به مقررات داخلی کشورها احاله داده است. بنابراین ممکن است روال التزام قانونی به این عهد در صلاحیت قوه مجریه و یا مقننه و یا مشترک باشد و یا اساساً در اختیار رئیس کشور باشد.

در ایالات متحده انعقاد معاهدات توسط رئیس جمهور و با موافقت سنا صورت می‌پذیرد. جزء «۲» بخش دوم اصل ۲ قانون اساسی این کشور اشعار می‌دارد: «رئیس جمهور با مشورت و موافقت سنا و به شرط موافقت دو سوم سناتورهای حاضر، دارای اختیار انعقاد معاهدات می‌باشد...».

در رویه دولت این کشور، میان موافقتنامه‌های بین‌المللی تفکیک قائل شده و برای

۱. طبق بند (۱) ماده ۴۶ عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات: «یک کشور نمی‌تواند با تکیه بر این واقعیت که اعلام رضایت وی به التزام در قبال یک معاهده تخطی از مقررات حقوق داخلی وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به بی‌اعتباری رضایت خود استناد نماید مگر آنکه تجاوز مزبور بارز بوده و به قاعده‌ای از حقوق داخلی مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است.»

هر یک فرایند خاصی پیش‌بینی شده است. معاهدات^(۱) می‌بایست با اکثریت دو سوم در سنا به تصویب برسند اما برخی دیگر از موافقتنامه‌های بین‌المللی که اصولاً برای حسن اجرای تعهدات بین‌المللی به موجب معاهدات قبلی لازم شمرده می‌شوند (که متناظر یا مأموریت اجرای دقیق قوانین است)، همانند قوانین به تصویب کل کنگره (مجلس نمایندگان و سنا) می‌رسند.^(۲) اما آن دسته از موافقتنامه‌های اجرایی^(۳) که مربوط به حوزه اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور هستند به صرف موافقت وی منعقد می‌گردند.

در نظام حقوقی فرانسه، تفکیک میان معاهدات و توافق‌های بین‌المللی که در حقوق بین‌الملل مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد در این قانون مد نظر قرار گرفته است و بر این اساس، معاهدات نیازمند تصویب بوده و توافق‌های بین‌المللی بی‌نیاز از این تشریفات هستند. کتاب چهارم (مواد ۵۲ تا ۵۵) قانون اساسی فرانسه مربوط به «معاهدات و توافق‌های بین‌المللی» است.

ماده ۵۲ قانون اساسی فرانسه صلاحیت تصویب یا اعلام رضایت کشور برای التزام به معاهده را به رئیس‌جمهور اعطا کرده است. البته در این موارد، «قاعده امضای وزارتی همراه» اعمال می‌شود بدین معنا که ذیل سند تصویب امضای وزیر امور خارجه در کنار امضای رئیس‌جمهور درج می‌گردد. به موجب ماده ۵۳ در برخی موارد یعنی، معاهداتی که جنبه تقنینی دارند و به صلاحیت‌های قانون‌گذار یا حقوق افراد در ارتباطند، تصویب تنها پس از مصوبه پارلمان یا همان قانون اجازه الحاق یا تصویب امکان‌پذیر است. (کک دین و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۳۸-۲۳۷) به موجب این مقرر: «معاهدات صلح، معاهدات تجاری، معاهدات و توافق‌های مربوط به سازمان‌های بین‌المللی، معاهدات و توافق‌های دارای بار مالی، معاهدات و توافق‌هایی که مقررات قانون را تغییر می‌دهند، معاهدات و توافق‌های مربوط به اشخاص و احوال شخصیه، معاهدات و توافق‌هایی که متضمن انتقال، مبادله و یا الحاق سرزمین هستند

1. treaties

۲. به موارد فوق، موافقتنامه‌های اجرایی تقنینی (congressional executive agreements) گفته می‌شود.

3. executive agreements

نمی‌توانند تصویب یا تأیید شوند، مگر به موجب قانون»^(۱) در موارد مزبور، اجازه پارلمان شرط لازم و نه کافی برای تصویب معاهده است. در این کشور، مداخله قوه مقننه، به معنای اجازه‌ای است که پارلمان به رئیس جمهور می‌دهد تا صلاحیتی که قانون اساسی به وی داده است را اعمال نماید. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰: ۱۸) مصوبه پارلمان در این رابطه یا قانون اجازه تصویب یا الحاق به یک معاهده از نظر اعتبار دارای جایگاه و ارزش قوانین عادی (و نه ارگانیک) است. چنانکه سازوکار ارجاع و بررسی عدم مغایرت معاهدات با قانون اساسی (موضوع ماده ۵۴)^(۲) دقیقاً همانند شیوه‌ای است که در مورد قوانین عادی در ماده ۶۱ مقرر گردیده است.

به علاوه، رئیس جمهور وفق ماده ۱۱ قانون اساسی می‌تواند «پس از پیشنهاد دولت و یا پس از پیشنهاد مشترک مجلسین که در روزنامه رسمی نیز منتشر می‌گردد» برخی لوایح از جمله لوایح مربوط به اجازه تصویب معاهده را به همه‌پرسی احاله دهد. بنابراین، همان‌طور که ماده ۵۳ از عبارت «به موجب قانون» استفاده کرده است این قانون‌گذاری می‌توان از طریق پارلمان و یا از طریق همه‌پرسی و مراجعه به آرای عمومی مردم صورت گیرد. در نهایت، به موجب ماده ۵۵ قانون اساسی: «معاهدات یا قراردادهایی که به صورت قانونی تأیید گردیده و به امضا رسیده‌اند از تاریخ انتشار

۱. در نظام حقوقی آلمان نیز رویه‌ای مشابه فرانسه دنبال می‌شود. بنا بر ماده ۵۹ قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۱۹۴۹): «۱- رییس جمهور فدرال، نمایندگی اتحادیه [فدراسیون] را در روابط بین‌المللی بر عهده خواهد داشت. از طرف اتحادیه [فدراسیون] با دولت‌های خارجی عهدنامه منعقد خواهد کرد... ۲- معاهداتی که روابط سیاسی اتحادیه [فدراسیون] را تنظیم، یا با امور قوه مقننه فدرال مربوط می‌شوند در هر مورد، همچون قانون فدرال، محتاج موافقت یا شرکت هیئت‌های صلاحیت‌دار برای تصویب قانون فدرال خواهند بود. در مورد موافقتنامه‌های اداری، مقررات مربوط به امور اداری فدرال، با تغییرات لازم، شامل آن‌ها خواهد شد.» (ترجمه به نقل از: بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، ج ۴ (متون قوانین اساسی: فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلستان و امریکا)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۸۴)

۲. به موجب ماده ۵۴ قانون اساسی: «چنانچه شورای قانون اساسی که از سوی رییس جمهور، نخست وزیر، رؤسای هر یک از مجلسین و یا ۶۰ تن از نمایندگان یا سناتورها مورد مراجعه قرار می‌گیرد، اعلام نماید که یکی از تعهدات بین‌المللی مغایر با قانون اساسی می‌باشد، اجازه تأیید و یا تصویب آن معاهده قبل از آن که تجدید نظر در قانون اساسی انجام شود، امکان‌پذیر نمی‌باشد.»

نسبت به قوانین داخلی ارجحیت دارند».

در کشور اسپانیا^(۱) با معیارهایی ماهوی میان انواع معاهدات تفکیک صورت گرفته و برخی از آنها مشمول نظارت استصوابی و سایر موارد به نظارت اطلاعاتی پارلمان موکول شده‌اند. در این کشور، «دولت^(۲) هدایت سیاست‌های داخلی و خارجی و اداره دستگاه‌های نظامی و غیر نظامی و دفاع از کشور را به عهده دارد.» (ماده ۹۷ قانون اساسی). بنابراین، راهبری سیاست خارجی به عنوان امری اجرایی به دولت واگذار شده است که انجام مذاکره و انعقاد معاهده یکی از نمودهای آن است. با این حال، مطابق ماده ۹۴ قانون اساسی این کشور:

«۱- اعلام رضایت و التزام کشور^(۳) به معاهدات یا موافقتنامه‌های بین‌المللی، در موارد ذیل منوط به اجازه قبلی پارلمان [مجلسین] است: الف) قراردادهایی که جنبه سیاسی دارند؛ ب) قراردادهایی که جنبه نظامی دارند؛ ج) قراردادها یا پیمان‌هایی که بر تمامیت ارضی کشور یا بر حقوق مقرر در عنوان اول این قانون اساسی تأثیر گذارند؛ د) قراردادها یا پیمان‌هایی که موجب تحمیل تعهدات مهمی بر دارایی عمومی هستند؛ ه) قراردادها یا پیمان‌هایی که موجب لغو یا اصلاح قوانین دیگر شده یا اجرای آن نیازمند اقدامات قانونگذاری باشد. ۲- کنگره و سنا می‌بایست فوراً از عقد معاهدات یا موافقتنامه‌ها مطلع گردند.»^(۴)

در کشور جمهوری اسلامی افغانستان، اعطای اعتبارنامه به جهت انعقاد معاهدات در زمره صلاحیت‌ها و وظایف رئیس‌جمهور^(۵) بر شمرده شده است (مطابق بند ۱۷ ماده شصت و چهارم قانون اساسی) و ماده نودم قانون قانون اساسی،^(۶) «تصدیق

۱. «رژیم سیاسی کشور اسپانیا پادشاهی پارلمانی می‌باشد.» (بند ۳ ماده ۱ قانون اساسی)

2. Government

3. State

۴. در نهایت، «اعلام رضایت کشور به تعهدات بین‌المللی مندرج در معاهدات [منعقد] بر وفق به قانون اساسی و دیگر قوانین بر عهده پادشاه است.» (بند ۲ ماده ۶۳ قانون اساسی اسپانیا) که ظاهراً دلالت به توشیح پادشاه به عنوان رئیس کشور (وفق بند ۱ ماده ۵۶ قانون اساسی) و اجازه مبادله اسناد تصویب معاهده دارد.

۵. در افغانستان، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور بوده و ریاست قوه مجریه را برعهده دارد.

۶. هفتمین قانون اساسی مورخ ۶ بهمن ۱۳۸۲ با اتفاق آراء توسط «لویه جرگه» (مجلسی است که از سران اقوام و قبایل و نمایندگان دولت برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اضطراری تشکیل می‌شود) به تصویب رسید.

معاهدات و میثاقهای بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن» را از کارویژه‌های شورای ملی^(۱) دانسته است. البته از آنجا که «توشیح قوانین و فرامین تقنینی» به رئیس جمهور واگذار شده است (بند ۱۶ ماده شصت و چهارم) و طبق تعریف قانون اساسی این کشور از «قانون»^(۲) می‌توان چنین دریافت که معاهدات نیز نهایتاً باید به توشیح این مقام برسند تا جنبه قانونی پیدا نمایند.

در مجموع، از مطالعه تطبیقی حقوق اساسی کشورها می‌توان چنین نتیجه‌ای برداشت کرد که اصولاً مذاکره و انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی به عنوان یکی از نمودهای سیاست خارجی امری اجزایی بوده و به عهده قوه مجریه نهاده شده است اما از آنجا که برخی موافقتنامه‌ها به عنوان مثال، موجد حقوق و تکالیفی بر اتباع داخلی بوده و یا دارای بار مالی هستند و این‌گونه امور نیازمند دخالت قوه قانونگذاری می‌باشند، دخالت قوه مقننه چه از باب نظارت و چه از باب بسترسازی برای اجرای تعهدات معاهداتی ضرورت می‌یابد. البته در برخی کشورها عموم معاهدات از آنجا که موجد تعهداتی بر کشور - و نه صرف قوه مجریه - هستند در گرو مداخله قوه مقننه و نهایتاً رئیس کشور هستند.

۵. نتیجه‌گیری و ملاحظات پایانی

تنظیم روابط بین‌المللی و سیاست خارجی از مهم‌ترین مأموریت‌های هر دولت است که عقد موافقتنامه‌های بین‌المللی یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که به آن جامعه‌ی عمل می‌پوشاند. قراردادهای بین‌المللی به جهت تأثیرات و سهم عمده‌ای که

۱. شورای ملی همان پارلمان یا قوه مقننه افغانستان است. ماده هشتاد و دوم قانون اساسی این کشور: «شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می‌باشد.» این دو مجلس در حکم مجالس نمایندگان و سنا می‌باشند.

۲. ماده نود و چهارم قانون اساسی افغانستان مقرر داشته است: «قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد. در صورتی که رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می‌تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می‌گردد.»

در منافع ملی هر کشور دارند بیش از دیگر امور در این زمینه خودنمایی کرده و همواره مورد توجه ملت‌ها قرار داشته‌اند.

سوابق اعطای امتیازها و قراردادهایی که رهاورد آن‌ها تاراج منابع و منافع ملی بود، ذهنیت و افکار عمومی ملت ایران را چنان مکدر و برآشفته ساخت تا پس از انقلاب اسلامی مقررات متعددی وضع نمایند تا مانع از تکرار چنان وقایعی گردد. در زمان بررسی و تدوین اصل ۷۷ قانون اساسی، این نگرانی را در بیان خبرگان قانون اساسی به عنوان نمایندگان ملت، به وضوح می‌توان مشاهده کرد. با مطالعه مشروح مذاکرات مجلس تدوین و بررسی قانون اساسی به نظر می‌رسد که در وهله اول، بسیاری از اعضای این مجلس با نگاه به این سابقه، مفهومی غیر از مفهوم خاص و اصطلاحی موافقتنامه‌های بین‌المللی را در نظر داشته‌اند و در واقع نیز بسیاری از قراردادهایی که منافع ملی را به تاراج برده‌اند، با مفهوم معاهدات حقوق بین‌الملل منطبق نبوده‌اند. متن پیش‌نویس این اصل رهیافت ذهنی فوق را تقویت می‌کند؛ آنجا که با بیان عبارتی موسع و تمثیلی، هرگونه قرارداد بین‌المللی مشمول نظارت نمایندگان ملت در نظر گرفته شده بود. اما این تمام واقعیت نیست و این‌گونه نیست که در تدوین اصل مزبور مفهوم اصطلاحی معاهده مورد بحث قرار نگرفته باشد. بررسی مشروح مذاکرات قانون اساسی گویای این امر است و شاید بتوان گفت که در نهایت، اجمالاً مفهوم اصطلاحی معاهده مورد پذیرش مجلس تدوین قانون اساسی قرار گرفته است؛ گو آنکه به دلیل ابهاماتی که در قلمرو دقیق این مفهوم در نظر خبرگان قانون اساسی وجود داشته، در بیان اصل جانب احتیاط گرفته شده و از تعبیر گوناگونی برای اشاره به این مفهوم استفاده شده است، به گونه‌ای که مصداقی از آن از قلمرو اصل خارج نشود.

آنچه در رویه دولت و تفاسیر بعدی شورای نگهبان راجع به قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی مشمول اصل ۷۷ رخ داده نیز با مفهوم اصطلاحی «معاهدات» در حقوق بین‌الملل همخوانی داشته است و با توضیح اخیر می‌توان پذیرفت که کاشف از اراده مقنن بوده است و نباید آن را تفسیری عمل‌گرایانه و مصلحت‌جویانه انگارید.

نکته‌ای که رهیافت فوق را پشتیبانی می‌کند این است که خبرگان قانون اساسی برای رفع نگرانی و سد راه قراردادهای ننگین و مضر برای منافع ملی تنها به اصل ۷۷ بسنده نکرده‌اند و در جای‌جای قانون اساسی تلاش کرده‌اند تا روزنه نفوذ اجانب را مسدود

سازند. در این راستا، واگذاری امتیاز به بیگانگان ممنوع گردیده (اصل ۸۱)؛ صلح و داوری اموال عمومی و دولتی در مواردی که طرف آن خارجی است منوط به تصویب مجلس گردیده است (اصل ۱۳۹)؛ و به طور کلی، انعقاد هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه گردد ممنوع قلمداد شده است (اصل ۱۵۳). با این تحلیل می‌توان از تفسیر اصل ۷۷ منطبق با حقوق معاهدات بین‌المللی دفاع کرد؛ حال آنکه در فقدان چنین اصولی، تفسیر مضیق این اصل نمی‌توانست با تفسیری غایت‌گرا همخوانی داشته باشد. به هر تقدیر، دولت و رای نظارت مجلس، مأخوذ و ملزم به رعایت محدودیت‌ها و چارچوب‌های مقرر در قانون اساسی است و اصل ۱۵۳ و اصولی اساسی دیگر (از جمله اصل ۱۵۲)، نقشه‌ی راه و اصول راهنمای دولت در سیاستگذاری و پیگیری روابط بین‌المللی می‌باشند. بنابراین، خروج برخی قراردادها از شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ به دولت صلاحیتی بی‌قید و شرط اعطا نمی‌کند.

با گسترش و شتاب فزاینده‌ی ارتباطات بین‌المللی، فوت وقت باعث از دست دادن فرصت در برخی زمینه‌ها می‌گردد. جلب حد اکثری منافع کشور از طریق توافقات بین‌المللی از یک سو، چالاک‌ی و هموار بودن مسیر قوه‌ی اجرایی و دستگاه سیاست خارجی را اقتضا کرده و از سوی دیگر، دقت و کارشناسی بودن چنین قراردادهایی را ایجاب می‌نماید. این مهم در پرتو تعامل و همکاری قوای مقننه و مجریه میسر می‌گردد. این مسأله موجب شده تا برخی از این توافقات به جهت اهمیت تعهدات و آثار آن‌ها به مساعی مشترک قوا و مشارکت هر دو قوه واگذار شده و برخی دیگر بنا به ماهیت و مقتضای خود در صلاحیت قوه‌ی اجرایی نهاده شده‌اند.

تمثیلی بودن عناوین بکار رفته در اصل و اطلاق شأن تصویبی مجلس شورای اسلامی به برخی دغدغه‌های اجرایی دامن زده که نظریات شورای نگهبان با ارائه ضوابط نوعی و موردی نقش مؤثری در رفع ابهام از این مسأله داشته است که با تنقیح مناط از آن‌ها می‌توان به ضابطه کلی اصول مزبور دست یافت. توسل به دو معیار شکلی (با توجه به طرف‌های قرارداد) و ماهوی (محتوای قرارداد و قانون حاکم) برای حل این مسأله ضروری است. چنانکه از منظر مقام مفسر قانون اساسی از یک سو، قراردادهای دولت با اشخاص خصوصی خارجی که تحت حاکمیت قانون داخلی و به تعبیری تابعان داخلی هستند، منصرف از عهد بین‌المللی مندرج در اصول مزبور تلقی

شده و از سوی دیگر، وصف متعهد ساختن دولت صرف نظر از عنوان توافق‌نامه مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین توجه به معیار «بین‌المللی» بودن قرارداد می‌تواند راهگشای خلأها و جوابگوی مقتضیات اجرایی باشد. بدین صورت که ویژگی بین‌المللی، تابع انعقاد قرارداد از جانب تابعان حقوق بین‌الملل و تعهدآوری آن بر اساس حقوق بین‌الملل دانسته شود. قانونگذار اساسی چنین قراردادها یا موافقتنامه‌هایی را در پرتو اصول ۷۷ و ۱۲۵، تحت چتر حمایتی و نظارتی مجلس شورای اسلامی قرار داده است و اختلاف عناوین را در حاکمیت اصول مزبور تعیین کننده ندانسته است.

بسیاری از قراردادهایی که در سده‌های اخیر منافع ملی ایران را به تاراج برده است، بنا به تعریف حقوق معاهدات، جزء موافقتنامه‌های بین‌المللی قابل تقسیم‌بندی نیستند چرا که عموماً با اشخاصی غیر از دولت منعقد شده‌اند. با توجه به همین ملاحظات خبرگان قانون اساسی ضمن پیش‌بینی ضوابطی خاص برای انعقاد موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی، از دیگر قراردادها غفلت نکرده‌اند. در حالی که اصل بیست و چهارم قانون اساسی مشروطه به صورت کلی، «بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه» را به تصویب مجلس شورای ملی موکول کرده بود، قانونگذار اساسی پس از انقلاب اسلامی، با توجه به قراردادهای استثماری و نابرابر و امتیازات ناعادلانه‌ای که در گذشته بر ملت ایران تحمیل شده بود، اصل فوق را در چند اصل تفصیل و در عین حال، تعدیل نمود؛ در اصل ۱۵۳ «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شوئون کشور گردد ممنوع» دانسته شده و از آنجا که چنین قراردادهایی غالباً در قراردادهای با طرف خارجی به شکل امتیاز (قرارداد خارجی) یا معاهده (قرارداد بین‌المللی) صورت می‌پذیرفته است، این دو مورد در اصول ۸۱^(۱) و ۷۷ قانون اساسی به ترتیب، مطلقاً ممنوع و مشروط به تصویب مجلس شده است.

بنابراین، دغدغه صیانت از منافع ملی در قراردادها می‌بایست با نگرشی جامع به

۱. اصل هشتاد و یکم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

کل قانون اساسی همراه شود تا این مهم به اصلی خاص فروکاسته نشود. با این نگرش، دیدگاه کسانی که طرفدار تفسیر موسع از اصل ۷۷ برای شمول آن بر قراردادهای خارجی می‌گردد، قابل رد خواهد بود؛ بدون آنکه دغدغه و منظور تدوین‌کنندگان قانون اساسی مورد انکار یا غفلت قرار گیرد.

منابع و مأخذ

(۱) منابع فارسی

الف - کتب

۱. بلدسو، رابرت، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. قنوتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، سیدحسین؛ عبدی‌پور، ابراهیم، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۱، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳. عمید زنجانی، عباسعلی. فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، سمت، چاپ دوم: ۱۳۸۶.
۴. عنایت، سیدحسین، تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول: تابستان ۱۳۷۰.
۵. فاضل لنگرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۶. فلسفی، هدایت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۷. بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، ج ۴ (متون قوانین اساسی: فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلستان و امریکا)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم: ۱۳۹۰.

ب - مقالات

۸. میرعباسی، سید باقر، «مسأله قراردادهای بین‌المللی موضوع اصل ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۲، ۱۳۷۷.
۹. حکمت، محمدعلی، «تأثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین‌المللی»، قابل دسترسی در:

<http://ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=345>

۱۰. مجتهدی، محمدرضا، «لزوم تفکیک قراردادهای بین‌المللی از معاهدات بین‌المللی»، قابل دسترسی در:

<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=323>

ج- اسناد، قوانین و مقررات

۱۱. آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقیهای بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۱ هیئت وزیران)
۱۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۴.
۱۳. قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲).
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
۱۵. قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۵).
۱۶. قانون اصلاح قانون نفت (مصوب ۱۳۹۰).
۱۷. قانون مدنی (۱۳۰۷).
۱۸. قانون نفت (مصوب ۱۳۶۶/۷/۹).
۱۹. ماده واحده قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی (مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۹).
۲۰. متمم قانون اساسی مشروطه (۱۲۸۶).
۲۱. مشروح مذاکرات شورای نگهبان: دوره اول- سال ۱۳۶۰، تدوین و تنقیح: فهیم مصطفی‌زاده، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰.
۲۲. نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ اسوه، ۱۳۸۴.

ب- منابع عربی

۲۳. (امام) خمینی، سیدروح‌الله، کتاب‌البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم: ۱۳۶۸.

ج- منابع لاتین

24. Martin, Elizabeth A. (ed.), *A Dictionary of Law*, 4th ed., Oxford University Press, 1997.
 25. The Constitution of France (1958).
 26. The Constitution of the United States of America (1787).
 27. The Spanish *Constitution* (1978).
- Anglo-Iranian Oil Co. Case*, United Kingdom v. Iran (22 July 1952), ICJ Reports 1952.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir